



انترناسیونال ۴۰۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۷ تیر ۱۳۹۰، ۸ ژوئیه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

گرامیداشت منصور حکمت

شنبه ۹ ژوئیه ۲۰۱۱

صفحه ۱۰

زنده باد زندگی!

در بزرگداشت منصور حکمت در نهمین سالگرد درگذشتش



میگیرد.

امروز واقعات سیاسی جاری دنیا

بیش از هر زمان دیگر بر صحت و

حقانیت بینش و خط و جهت گیری

سیاسی ای که منصور حکمت نماینده آن

بود مهر تأیید میگذارد. انقلابات جاری در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه و

تحولاتی که امروز در یونان و اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی در جریان است

همه از فروری نظم نوین جهانی سرمایه

صفحه ۳

نه سال است منصور حکمت

را از دست داده ایم و فقدان او را

در هر رویداد و حرکت و تحولی

که در جامعه و یا در حزب رخ

داده است عمیقا احساس کرده

ایم. نیاز به وجود او و تیز بینی و

بصیرتش و این سؤال گریزناپذیر

که اگر او بود چه میگفت و چه

بحران احمدی نژاد و جنبش

سرنگونی!



مصطفی صابر

بحران احمدی نژاد شرایط سیاسی فوق

العاده ای را بوجود آورده است. تمام جوانب

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بحران جمهوری

اسلامی حادثه از هر وقتی در برابر جامعه

قرار گرفته است. از طرح یارانه ها و بن بست

اقتصادی رژیم که اکنون وسط زمین و آسمان

آویزان شده، تا "جدا سازی جنسیتی" که رکن

جمهوری اسلامی بوده و اکنون نیروهای نظام

از آن تبری می جویند، از کشمکش بر سر

سیاست خارجی و رابطه با غرب تا اینکه

قاچاق و فساد همه جانبه اداری زیر سر کدام

"برادران" است همه و همه به نقل محافل

تبدیل شده است. این بحران علیرغم

هشدارهای خامنه ای که "مراقب باشید"،

نشانی از فروکش کردن ندارد و در شرایط

ملتهب جامعه ایران به یک فضای سیاسی

فعال دامن خواهد زد. بویژه که میدانیم بحران

احمدی نژاد ادامه خطی بحران حکومتی

مزمین جمهوری اسلامی نیست. این بحران

قبل از هرچیز در انقلاب ۸۸ و تلاش

قهرمانانه مردم ایران برای رهایی از شر رژیم

ریشه دارد و کل فضای دخالگری انقلابی و

توده ای در منطقه و جهان در پی انقلابات

تونس و مصر بر آن حکمفرماست. سوال این

است که در این شرایط مردم در قبال بحران

احمدی نژاد چه میکنند و چه باید بکنند؟

نیروهای سیاسی مختلف طبعاً برای

پیشبرد اهداف و برنامه خود در قبال بحران

صفحه ۴

جنگ بر سر تفکیک جنسیتی، وحشت از

"اغتشاش" در دانشگاه

شهلا دانشفر

باند بالای حکومت، احمدی نژاد

و خامنه ای و بر سر تبعات اجرای

این طرح بیش از هر چیز نشانگر

جنسیتی و به جان هم افتادن دو

صفحه ۲

اطلاعیه سازمان جوانان کمونیست

در مورد ۱۸ تیر

صفحه ۷

گزارش دولت آلمان و ژورنالیسم نان

به نرخ روز خور

محمد آسنگران، صفحه ۱۲

صفحات دیگر

از اسکله های "نامرئی" تا اسکله های "غیرمجاز!"

هادی وقفی، صفحه ۷

۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار است!

به این حرکت بین المللی بپیوندید!

صفحه ۱۰

اخبار کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۸

سخنرانی مریم نمازی در نقد اسلام سیاسی در

کنفرانس بین المللی در ایتالیا

صفحه ۱۱

خطر فوری اعدام یوسف ندرخانی به اتهام ارتداد

صفحه ۱۱

STOP STONING!



۱۱ جولای روز جهانی

علیه سنگسار

ریچارد داوکینز چهره

سرشناس نیز از این روز

دفاع کرد!

صفحه ۱۰

آخرین تحولات در سوریه، مصر و مراکش

محمد شکوهی، صفحه ۴

بازتاب هفته

نزاع "برادران قاچاقچی"، حادثه تر میشود

پذیرش شکست یک طرح بیست و چهار ساله

جنبش علیه اعدام و معضل قاتلین دولتی

بهرروز مهربانادی

حکومت ضد زن بزرگترین ناهنجاری اجتماعی

سپهلا شریفی

توپ در زمین چه کسی است؟

یاشار سهندی

دور جدید طرح "امنیت اخلاقی و اجتماعی" رژیم!

محمد شکوهی

صفحات ۵-۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنگ بر سر تفکیک جنسیتی، ...

شهلا دانشفر



حال نزار حکومت و قدرت اعتراضات مردم است. اکنون دعوا به مبانی پایه ای حکومت، دعوا بر سر حجاب و طرح تفکیک جنسیتی که هویت این رژیم آپارتاید جنسی است کشیده شده است. جالب اینجاست که هر دو طرف آنچنان در مقابل جنبش انقلابی مردم و آنهم در رابطه با اجرای چنین طرحی در جایی چون دانشگاهها که همواره سنگر اعتراض و مبارزه بوده است، به وحشت افتاده اند، که هر کس با انگشت اتهام به طرف دیگری نشانه می رود و او را طراح و عامل اجرای این طرح و بقول خودشان عامل ایجاد اغتشاش در دانشگاه و غیره خطاب میکند. بله این جمهوری اسلامی است که به چنین روزی افتاده است. نفس اینکه این موضوعی که بطور واقعی پرچم و هویت رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی است، چنین به موضوع بحث و اختلاف در درون حکومت تبدیل شده است، نفس اینکه هر کدام دیگری را طراح این سیاست و به گفته خودشان عامل اغتشاش در دانشگاه متهم میکنند، و از اجرا گذاشتن قوانین ارتجاعی اسلامی شان چنین هراس و وحشت دارند، به روشنی بیانگر استیصال این حکومت در برابر خشم و اعتراض مردم و ترسشان از دانشگاهها این سنگر آزادی است. خلاصه اینکه نگاهی به کل این ماجرا و مباحثی که بین این جانیان در جریان است بیش از هر چیز شبیه به نمایشی مضحک و خنده دار است، رقص مرگ حکومت در برابر جنبش قوی سرنگونی که امانش نمیدهد. با هم نگاهی به بحث هایشان بیندازیم:

کامران دانشجو در روز ۱۹ بهمن ماه سال گذشته گفته بود "تفکیک جنسیتی در دانشگاهها مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است". در ۴ تیر امسال دوباره بحث بر سر این موضوع داغ شد. رسانه های دولتی از اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها خبر داده و "نورالله جیلری دستنایی" عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای

سخنان کامران دانشجو در کل اصطلاح "تفکیک جنسیتی" را ساخته دشمنان نظام دانست و گفت این حرف مخالفین و دشمنان نظام است. او گفت که "ما به دنبال اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها نیستیم، ضمن اینکه در اجرای طرح عفاف و حجاب به دنبال پرده کشی، دیوار کشیدن و اقدامات خشن و برخورد فیزیکی نیستیم." او کاربرد اصطلاح تفکیک جنسیتی را فضا سازی و همه این مسایل را به ضد انقلاب داخل و خارج نسبت داد.

خلاصه اینکه می بینیم که کامران دانشجو و معاونش خواجه نوری از یکسو به لکت و غلط کردن افتادند و از سوی دیگر از در دستور بودن طرح اسلامی کردن دانشجویان سخن گفتند. اما روشن بود که این موضوع برایشان به این سادگی تمام نخواهد شد. دانشجویان در کمین فرصت برای اعتراضند. اول مهر در پیش است و وحشت از "اغتشاش" در دانشگاه خواب از چشم این جانیان بروده است. در این میان احمدی نژاد که از یکسو هوا را پس میدید و از سوی دیگر میخواست به جناح مقابل بفهماند که ایستاده است و کوتاه نمی آید، در ۱۵ تیرماه با ارسال نامه ای به وزرای علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی، خواستار توقف طرح "تفکیک جنسیتی" و "بازنشستگی بی رویه اساتید دانشگاهها" شد و این دو اقدام را "غیرعالمانه" و بدون لحاظ تبعات خواند. بخاطر اینکه کامران دانشجو حدود سه ماه پیش اعلام کرده بود پرسنل علمی که "با نظام همسو نیستند" و "التزام عملی به ولایت فقیه ندارند"، اخراج خواهند شد. و تاکید کرده بود: "ما به دانشگاهیانی که تمایلات و فعالیت هایشان با نظام جمهوری اسلامی همسو نیست، نیازی نداریم." و این اخطارها فضا را کاملاً متشنج کرده بود.

احمدی نژاد در نامه خود نوشت که شنیده است که در برخی دانشگاهها برشته ها و کلاس های تک جنسیتی بدون لحاظ تبعات اعمال می گردد و ضمن سطحی و غیرعالمانه خواندن این اقدامات خواستار توقف فوری آن و اعلام نتیجه هر دو مورد شد.

بگذریم که تا هم اکنون طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاههای صنعتی شریف تهران و دانشگاه مازندران به اجرا گذاشته شده و خود به یک موضوع اعتراض در میان دانشجویان تبدیل شده است.

در ۱۶ تیر کامران دانشجو در عکس العمل به نامه احمدی نژاد اعلام کرد که دستور وی را به جان شنیده و اجرا خواهد کرد. او گفت ایجاد کلاس تک جنسیتی در دانشگاهی که در هر دو جنس پذیرش دارد، متوقف می شود.

همه این کشاکش و سرگیجه و زیگزاگ زدنها همانطور که در نامه احمدی نژاد بیان شده بخاطر ترس از تبعات انجام طرح بود. و بطور واقعی همین ترس و بقول خودشان "اغتشاش" در دانشگاه محور اصلی دعوی درون حکومت قرار گرفت. بطوریکه از جانب باند مقابل، باند خامنه ای، بحث های جالبی بر سر این موضوع طرح شد که کل این مضحکه را تکمیل میکنند. بحث هایی که تماماً حاکی از وحشت کل رژیم از جنبش اعتراضی مردم، از دانشگاه این سنگر آزادی و از یک جنبش قدرتمند علیه تبعیض و آپارتاید جنسی است.

در طول این کشاکشها باند مقابل، باند خامنه ای اعلام کرد که هدف طرح اجرای تفکیک جنسیتی به آشوب کشیدن دانشگاههاست. اعلام کرد که احمدی نژاد با اینکه میدانند نظام مخالف طرح تفکیک جنسیتی است!! و دفتر رهبری معظمشان، یعنی خامنه ای هم اعلام کرده که وی موافق این طرح نبوده و دستور توقف آن را داده است، تلاش کرده است که خامنه ای را مسئول طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها معرفی کند تا ظاهراً بتواند مراجع تقلید و افراد مذهبی را در اجرائیش همراه خود سازد و با انجام آن دانشگاهها را به آشوب بکشاند و کار کار جریان انحرافی است. از این سخن گفتند که این طرح اصلاً برنامه مشخصی ندارد و از اساس مشکل دارد و هدف هزینه

کردن از رهبری و منتسب کردن آن به ولی فقیه است تا پیامدهای شکستش را به پای خامنه ای بگذارند و به قول خودشان بنوعی حرف رهبری به زمین گذاشته بشود. گفتند که به طور قطع کار به مرحله ای خواهد رسید که نیاز شود که یکی از مسؤولین رده بالای کشور بیاید و این طرح را ملغا کند و بعد این طور القا شود که طرحی که مقام معظم رهبری مدنظر داشتند با نگاهی بسیار دگم و متعصبانه همراه بوده و قابلیت اجرا نداشته و روشنفکرانه نبوده است، و بطور قطع با اجرای این طرح اعتراضهای دانشجویی آغاز خواهند شد و آنها به هدف خودشان خواهند رسید و همه اینها را هم توطئه قبل از انتخاباتی جریان انحرافی میدانند.

بله اینها همه بحث های دو طرف جنگ بر سر اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها است. در واقع این جمهوری اسلامی است که چنین زبونانه از اجرای قوانین ارتجاعی اسلامی اش و از تفکیک جنسیتی که یک اصل پایه ای و اصلی این نظام آپارتاید جنسیتی است، دارد سخن میگوید. بدین ترتیب در این نمایش مضحک دو طرف دعوا دارند از تفکیک جنسیتی همچون لکه ننگی سخن میگویند و آنرا به هم نسبت میدهند، چون میدانند اگر اجرا شود، دانشگاهها بیجا خواهد خاست. چون فضای اعتراض جامعه و دانشگاه را می بینند و لرز پیکرشان را گرفته است. در یک کلام کل این ماجرا بیانگر این حقیقت است که دیگر بحث صرفاً بر سر تفکیک جنسیتی نیست. بلکه بحث بر سر به آخر خط رسیدن جمهوری اسلامی است. بحث بر سر اوضاعی است که بیش از هر چیز قدرت جنبش ما را مقابل چشمان میگذارد و در مقابل رژیم قرار دارد که چنین در برابر جنبش انقلابی ما به استیصال کشیده شده است. این قدرت را باید دریافت. *

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

زنده باد زندگی! ...

خبر میدهند. این نقطه پایان دوره ای است که منصور حکمت با نوشته "طلوع خونین نظم نوین جهانی" در آستانه جنگ اول خلیج (ژانویه ۹۱) چهره کریه آنرا به دنیا معرفی کرد:

"این جنگ باید متوقف شود، به دلیل عقب گرد سیاسی، فرهنگی و اخلاقی‌ای که به کل جهان تحمیل می کند. نشانه‌ها فی‌الحال در دست‌اند. دخالتگری نظامی ابرقدرتها، شوونیسم ملی، نژادپرستی، میهن پرستی، تعصب مذهبی، تروریسم و ژورنالیسم نوکر، اینها گوشه‌ای از نیروهای سیاهی هستند که با این جنگ افسار گسیخته‌اند. اینها مشخصات واقعی آن به اصطلاح "نظم نوین جهانی" هستند که دارد شکل می‌گیرد".

دنیا در بیست سال اخیر صحنه افسارگینختگی این نیروهای سیاه بود. از یازده سپتامبر تا حمله به افغانستان و حمله دوم به عراق و تا بمب‌گذاریهای نیروهای اسلامی در پایتختهای اروپائی و تا مماشات و آوانس دهی به اسلامیس و قتل‌های ناموسی و قوانین شریعه در قلب اروپا. جنگ و ترور و تباهی فضای کل دنیا را تیره و تار کرده بود.

از نظر اقتصادی نیز نظم نوین سرمایه داری بازار آزاد که قرار بود بعد از فروپاشی سرمایه داری دولتی بلوک شرق شیر و عسل در جویها روان کند چیزی بجز ریاضت کشی اقتصادی و بیکاری و بی‌تامینی و فقر و محرومیت بیشتر برای مردم دنیا به ارمغان نیآورد. همه این واقعیات دال بر آنست که روند بیست ساله اخیر در عین حال روند رسوائی و ورشکستگی سیاسی و اقتصادی طرف پیروز جنگ سرد نیز بوده است. منصور حکمت با تیزی بی‌درایت سیاسی کم نظیری در همان مقاله "طلوع خونین نظم نوین جهانی" این روند را پیش بینی میکند:

سقوط شرق همچنین مترداف با زوال غرب بعنوان قطب مقابل آن است. یعنی زوال آن موجودیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی که برای محاصره و شکست بلوک شوروی پس از جنگ دوم جهانی حدادی شده بود. غرب، چه بعنوان یک مفهوم و چه بعنوان یک واقعیت اقتصادی - سیاسی، بر مبنای هژمونی و یا به اصطلاح "نقش رهبری" ایالات متحده بنا شده

از صفحه ۱

بود. حفظ این نقش، و یا حتی گسترش آن، در دنیای متحول سیاست پس از جنگ سرد، چکیده دورنمای آمریکا برای "نظم نوین جهانی" است".

این دورنما امروز بیش از همیشه تیره و تار شده است. امروز دوره جنگ توحشها، مقابله میان دو قطب میلیتاریسم نوکانی و اسلام سیاسی، پایان رسیده است - نه به خاطر پیروزی و یا حتی تفوق قابل مشاهده یک طرف این مجادله بر دیگری بلکه اساسا بدلیل بمیدان آمدن مردم علیه کل این نیروهای سیاه. بخاطر موج انقلابات در جوامع اسلامزده و منطقه زادگاه اسلام سیاسی علیه رژیمهای دست نشانده و مطیع و تابع غرب و علیه حکومت‌های اسلامی هر دو. بخاطر خیزش انقلابی سال هشتاد و هشت مردم ایران علیه ستون فقرات اسلام سیاسی و انقلاب کوبنده مردم سوریه علیه متحد استراتژیک جمهوری اسلامی و قطب دیگر اسلام سیاسی در منطقه. بخاطر سقوط دیکتاتورهای سنتا متعلق به کمپ غرب در تونس و مصر بقدرت انقلاب مردم. بخاطر مانیفست جوانان غزه علیه اسرائیل و آمریکا و حماس و سازمان ملل. بخاطر خیزشهای اعتراضی مستمر و بی‌سابقه در مادرید و آتن و دیگر پایتختهای اروپائی. فروپاشی دیوار برلین پایان کمپ سرمایه داری دولتی را اعلام کرد و سقوط مبارک، که کیسنجر آنرا ریزش دیوار برلین کمپ غرب نامید، زوال سرمایه داری بازار آزاد را. این نه تنها نقطه پایان "نظم نوین" بلکه آغاز ریزش کل نظم سرمایه داری در جهان است. این بن بست و لاعلاجی نه تنها اقتصاد بلکه دموکراسی بورژوازی است که بوسیله توده‌های ناراضی و خشمگین مردم در غرب و شرق فریاد زده میشود. پرچم این جهان متمدن را قبل از همه منصور حکمت در "دنیا بعد از یازده سپتامبر" بر افراشت:

"جنگ تروریستها میتواند آغاز یکی از خونبارترین دوره‌های تاریخ معاصر باشد. تا همینجا نفس در سینه صدها میلیون انسان حبس شده است. اما این دورنما محتوم نیست. صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سر آغاز تحولات

مثبت و تحقق آرمان‌هایی در جهان باشد که بشریت در دهه‌های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه‌ای، آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمایندند که واقعا یک بشریت متمدن، یک جهان متمدن، وجود دارد که ممکن است در این میان برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته‌اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کابیتالیستی نباشد. این روزهای تعیین کننده ای است".

این غول خفته امروز بیدار شده است. امروز این نیروی سوم، این جهان متمدن مورد اشاره منصور حکمت، از شمال آفریقا و خاورمیانه سر برآورده است. در بخش دیگری از نوشته "دنیا پس از یازده سپتامبر" حتی همین واقعیت هم بروشنی پیش بینی شده است:

"سیاست کنونی و اقدامات آمریکا چهارچوبهای سیاسی موجود در خاورمیانه را خواه ناخواه بهم میریزد، اما مناسبات اترناتیوی که شکل خواهد گرفت را نیروهای دیگری تعیین خواهند کرد. در این شک نیست که رویارویی غرب با اسلام سیاسی به تضعیف جنبش اسلامی و احزاب و دولت‌های این جنبش منجر میشود. اما این کشمکش در یک صحنه خالی صورت نمیگیرد. خاورمیانه، همچنان که خود غرب، صحنه جدال جنبشهای اجتماعی‌ای است که مقدم بر این کشمکش بورژوازی غرب با اسلام سیاسی وجود داشته‌اند و روند سیاسی در جوامع مختلف را شکل داده‌اند. جدال غرب با اسلام سیاسی، با همه اهمیتی که دارد، نیروی محرکه و موتور پیشبرنده تاریخ در این جوامع نیست، برعکس، خود در متن این تاریخ قرار میگیرد و معنی میشود. جدال بر سر تعیین نظم نوین جهانی بازیگران مهم تری دارد. طبقات اجتماعی و جنبشهای سیاسی آنها چه در غرب و چه در خاورمیانه، بر سر آینده سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان صفتبندی کرده‌اند. این جنبشها هستند که مستقل از خواست سران و سیاستمداران غربی و زعمای اسلام سیاسی، جهت‌نهایی این روندها را تعیین خواهند کرد".

این گفته منصور حکمت در دهسال قبل شاید از جانب خلیلیها

بیشتر بیان یک آرزو و آرمان تلقی میشد تا طرح یک واقعیت اما امروز همه بروشنی میبینند که چهره خاورمیانه را نه اسلامیبون و نیروهای غربی، نه طرفین جنگ در عراق و افغانستان، بلکه توده‌های بی‌پاخاسته مردم در میدان تحریرها ترسیم میکنند. تحولات جهان بعد از منصور حکمت دقیقا در همان جهت و سمت و سویی به پیش رفته است که او پیش بینی میکرد، ما را به استقبالش میبرد، و حزب خود را برای ایفای نقش تعیین کننده در آن آماده میساخت. حزب در این نه ساله با اتکا به بینش و برنامه و خط و جهتگیری سیاسی که منصور حکمت برای ما به ارث گذاشت راه خود را

بجلو باز کرده و به پیش رفته است. اما نقطه قدرت واقعی ما در اینست که واقعیات جهان بیرونی نیز در چهارچوب افق و چشم اندازی که منصور حکمت در برابر ما گذاشت متحول شده است.

براستی اگر منصور حکمت زنده بود چه میکرد و چه میگفت؟ پاسخ به این سؤال نه در آثار منصور حکمت بلکه در خیزش جهان متمدن، در میدانهای قاهره و تونس و مادرید و آتن و سلیمانیه، نهفته است. پاسخ در خود زندگی است.

زنده باد زندگی!

زنده باد منصور حکمت!

حمید تقوایی

۵ جولای ۲۰۱۱

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

حقوق و دستمزدهای ما را میدهند. کارگران تهدید کرده‌اند که چنانچه این وضعیت ادامه پیدا کند هفته آینده با بجان خریدن همه مشکلاتمان به تهران خواهیم رفت تا جدیت خودمان را در حق طلبی بیشتر نشان دهیم.

کارگران شهرداری خرمشهر اعتصاب کردند

در خبرهای روز ۱۲ تیر آمده است که بیش از ۱۲۰ نفر از کارکنان شهرداری از بخش فضای سبز و خدمات شهری خرمشهر به دلیل دریافت نکردن حقوق معوقه خود مقابل شهرداری خرمشهر تجمع کردند. خبرگزاریهای رژیم گفته‌اند که این تجمع با وعده شهردار خرمشهر مبنی بر پرداخت حقوق معوقه تا پایان این ماه پایان یافت.

ادامه اعتراض کارگران کارخانه آزمایش مرودشت

در خبرها آمده است که روز چهارشنبه ۸ تیرما نیز تحص و اعتصاب کارگران کارخانه آزمایش مرودشت با خواست دریافت مطالبات معوقه ادامه یافت. اعتراض این کارگران کارخانه از روز چهارشنبه هفته گذشته شروع شد. این کارگران اعلام کرده‌اند اگر به درخواست آنان پاسخ مثبت داده نشود برای ادامه اعتراض به تهران خواهند رفت.

زنده باد سوسیالیسم

بحران احمدی نژاد و ...

احمدی نژاد بحرت درآمده اند. دار و دسته های مجاز رژیم یا به اصطلاح "اصولگرایان" برای قبضه مراکز قدرت و تسخیر ناندانی های مربوطه و حفظ نظام صف آرای می کنند. بیشترین بلبشو و بهم ریختگی در همینجاست و توان خامنه ای برای متحد نگاه داشتن این صف اوباش هر دم تقلیل می رود. بقول شریعتمداری سردیر کیهان در آخرین اظهارات خود: "امروز درگیر جنگ نرم تمام عیار هستیم و دشمن سعی دارد ولایت فقیه را مورد حمله قرار دهد". جناح مغلوب و محصور رژیم میکوشد تا در شرایط دشواری که بحران احمدی نژاد برای خامنه ای بوجود آورده فرصت ایفای نقش در جهت حفظ و بقا نظام بدست آورد. این لاقدر در شرایط فعلی بیشترین بهر جوک شبیه است. بحث شرایط شرکت در انتخابات که علنا از سوی خاتمی مطرح شد حتی باعث شد فاصله بین

از صفحه ۱

جناح مغلوب و اپوزیسیون "اصلاح طلب" خارج از حکومت بیشتر شود. در عین حال همه کسانی که همواره برای حک و اصلاح رژیم تلاش کرده اند، از اکثریتی- توده ای ها و نویسندگان دوم خردادی گرفته تا مفسرین "بی بی سی" و "وی او ای" و غیره، با نگرانی مشهودی به حرکت درآمده اند تا مردم را قانع کنند که مشکل حداکثر خامنه ای و "کودتا چیان" و "نظام سلطانی" و از این قبیل است. اینها که میدانند نقشه امثال خاتمی خیلی نخ نما شده است، در این خیال خام اند که الگوی غرب و بورژوازی جهانی در مقابله با انقلاب مصر را در ایران تدارک بینند. یعنی تحت نام دموکراسی و "گذار مسالمت آمیز" و غیره در عمل ماشین دولتی و ارکان دیکتاتوری را با مرخص کردن شخص دیکتاتور حفظ کنند. اما همه این نیروها تنها بازیگران یک سوی دعوا و جدال

سیاسی در ایران اند. طرف دیگر اوضاع سیاسی در ایران مردم اند. جوانان، زنان و کارگرانی که با کل نظام اسلامی هر روز در خیابان و دانشگاه و کارخانه درگیرند. مردمی که به دنیا نگاه میکنند و بهترین هایش را می خواهند. جنبش سرگونی طلبانه و انقلابی که جریان دارد و در همه جا از مقابله با گشت های رژیم در خیابان تا اعتراض به جداسازی جنسیتی در دانشگاه و کافی شاپ ها، از جنگ اهالی با ماموران دولت بر سر دیش های ماهواره ای تا اعتصابات کوچک و بزرگ کارگری، از فضای اعتراضی در اینترنت تا بحث های داغ سیاسی در هر محفل و اجتماع مردم میتوان آنرا دید. همانطور که بالاتر گفتیم سوال اساسی و واقعی این است که این طرف دیگر، این جنبش سرگونی طلبانه در قبال بحران احمدی نژاد و شکاف هایی که در بالا باز میشود و فضای سیاسی که ایجاد میشود چه خواهد کرد. الگوی ۸۸ (یعنی

استفاده از مناسبت های دولتی از انتخابات گرفته تا ۱۳ آبان و غیره و تحویل آن به یک حرکت سرگونی طلبانه) الزاما تکرار نخواهد شد و یا جایگاه تعیین کننده ای نخواهد داشت. به دلایل گوناگون و از جمله اینکه رژیم در این زمینه آبدیده شده است. و همینطور به دلیل اینکه آن الگو از ابتدا زمینه های مساعدی برای تحرك اصلاح طلبان و پرورشی ها و شارلانتانهایی که میگویند "خشونت نکنید" فراهم میکرد. اینبار مردم بسیار رادیکالتر و قاطع تر علیه جمهوری اسلامی عمل خواهند کرد. و طبعاً به اشکالی روی خواهند آورد که متناسب این رادیکالیسم و انقلابی گری باشد. از تظاهرات ها و اعتصابات سراسری تا کنترل محلات و ایجاد ارگانهای قیام و اعمال حاکمیت مستقیم مردم. تمایل جنبش سرگونی مردم این است بحران احمدی نژاد را به یک انقلاب تمام عیار برای سرگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و حاکمیت

مستقیم مردم تبدیل کند. این یک تمایل است و باید بطور شفاف آنرا تعریف کرد. بویژه باید بر این تاکید کرد که در هم شکستن ماشین دولتی یک رکن هر تغییر جدی در ایران است. خطوط اصلی معنای واقعی سرگونی جمهوری اسلامی در "منشور سرگونی انقلابی" که حزب ما منتشر کرده آمده است و توجه خواننده را به این منشور جلب میکند. اما شاید مهمترین کار بطور بلافصل این باشد که مردم را به آسودگی برای دخالت انقلابی در اوضاع فرابخوانیم. اینکه تلاش کنیم تا آن روحیه اتحاد و همبستگی عمومی، آن اعتماد به نفس اجتماعی و توده ای در تغییر اوضاع را تقویت کنیم و دامن بزیم. روحیه ای متعالی و مصمم و انسانی که قبل از هر انقلابی آنرا میتوان حس کرد و هم اکنون نشانه های آن اینجا و آنجا مشهود است.

هفت جولای ۲۰۱۱

آخرین تحولات در سوریه، مصر و مراکش

محمد شکوهی

سوریه: ادامه انقلاب

دست ارتش کشته شده و تمام مردم شهر وادار به کوچ اجباری شدند. مردم شهر نگران تکرار این عمل وحشیانه از طرف رژیم هستند. با وجود این مردم اعتنائی به ادعای رژیم در مورد "گفتگوی ملی" نکرده و خواهان ادامه مبارزه تا به زیر کشیدن رژیم هستند. بر اساس آخرین گزارشات در طول ۷ هفته از آغاز انقلاب مردم سوریه بیش از ۱۴۵۰ نفر کشته، هزاران نفر مجروح، ۳۰ هزار نفر زندانی و ۶۵ هزار نفر تحت تعقیب نیروها امنیتی هستند. بر اساس آخرین اخبار منتشر شده در روز پنجشنبه ۱۶ تیر در همبستگی با مبارزات مردم در حماه و در اعتراض به محاصره این شهر هزاران نفر از مردم در شهرهای مختلف سوریه از جمله در مناطق القدم، دوما، حجر الاسود در دمشق و همچنین در شهرهای حمص، دیرالزور، القامشلی و الرستن تجمع کرده و خواستار پایان دادن به محاصره شهر حماه شدند. این اعتراضات گسترده همچنان ادامه دارد.

مصر: اعتراض به آزادی سرکوبگران

آنچه در مصر میگردد را تنها

میتوان ادامه انقلاب نامید. یک کشاکش و درگیری هرروزه با حاکمین نظامی که مردم آنها را نمیخواهند. هفته گذشته اعتراض مردم مصر در چندین شهر به چگونگی محاکمه سران رژیم سابق و بویژه احکام صادره در باره متهمان به سرکوب مردم در جریان انقلاب، جریان پیدا کرد. یک قاضی دادگاه در قاهره با صدور حکمی دستور آزادی ۱۰ مامور پلیس را به قید وثیقه صادر کرد. مردم و خانواده های جان باختگان انقلاب مصر به محض شنیدن این خبر، با برپایی اعتراضات گسترده اعلام کردند که آزاد شدگان در زمره مامورینی هستند که در جریان سرکوب انقلاب مردم بویژه در میدان تحریر شرکت داشته و باید محاکمه شوند. بدنبال آن روز دوشنبه گذشته صدها نفر از اعضای خانواده ها و بازماندگان جان باختگان انقلاب در اعتراض به احکام صادره، به ساختمان دادگاه در قاهره حمله کردند. بطور همزمان گروه دیگری از آنها یک بزرگراه اصلی از قاهره به شهر سوئز را چندین ساعت مسدود نمودند.

مراکش: مردم با "فراندوم شاهانه" ساکت نمی شوند

ماهها تظاهرات های گسترده بر علیه رژیم و نگرانی از مبتلا شدن به سرنوشت سران تونس و مصر، پادشاه مراکش را وادار ساخت تا "فراندوم" قانون اساسی "برگزار کند. با این امید که بتواند مانع از بروز اعتراضات گسترده تر و عمیق تر مردم شود. اما این فراندوم تغییر اساسی در وضعیت مردم و تحقق خواست های آنها برای کسب آزادی های سیاسی، از بین بردن بیکاری و فقر و فساد مالی نداده و نخواهد داد. بر اساس قانون اساسی جدید پادشاه رهبر سیاسی، مذهبی و نظامی باقی خواهد ماند. قوانین قضایی به فرمان شاه صادر میشود و تعیین قضات

بعهده او است. در قانون اساسی جدید ظاهراً برابری مدنی و اجتماعی بین زن و مرد تضمین شده است. اما به رسمیت شناختن قوانین مذهبی در قانون اساسی و وجود قوانینی که روابط عشیره ای را مورد حمایت قرار می دهد، خود مهمترین ناقض برابری زن و مرد در مراکش است. حقیقت اینست که نفس این اصلاحات قدرت مبارزه و انقلاب مردم و جنبش زنان را نشان میدهد و مردم به خوبی به این واقفند و قدرت خود را می بینند و به همین دلیل کوتاه نمی آیند. از نظر نیروهای مترقی مراکش بویژه زنان و جوانان قانون اساسی جدید جوابگوی خواست های آنها نیست. آنها خواستار تغییر جدی در ساختار سیاسی و اجتماعی مراکش هستند. در هفته گذشته هزاران نفر در شهرهای ریاط و کازابلانکا برای آزادی زندانیان سیاسی و برقراری آزادیهای سیاسی دست به تظاهرات زدند. فراندوم برگزار شده از طرف سلطان، مردم مراکش را ساکت نخواهد کرد.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجالبی بدل میشود!

بازتاب هفته

نزاع "برادران قاچاقچی"، حادثه میشود



بهروز مهر آبادی

حمله پی در پی باند خامنه ای به نزدیکان و همکاران دولت احمدی نژاد و دستگیری تعدادی از آنها رئیس جمهور اسلامی را ناچار کرد که در روز ۸ تیر کابینه خود را خط قرمز اعلام کند و طرف مقابل را از گذشتن از این خط بترساند و تهدید کند که در صورت ادامه این حمله "مسائل را با مردم در میان می گذارد". اما طرف مقابل اعلام کرد که کار از این حرفها گذشته است. لاریجانی رئیس قوه قضائیه بدون ملاحظه روابط، بدون ملاحظه بعضی عناوینی که اشخاص دارند، مسیر قانونی خودش را طی می کند. "سایت شفاف نیوز متعلق به قالیباف از احمدی نژاد خواست که "به رئیس دستگاه قضا نامه بنویسد و تاکید کند که رسیدگی به پرونده همه مدیران دولتی از جمله اعضای کابینه از نظر ایشان بلامانع است" و علی مطهری عضو مجلس اسلامی گفت: "خط قرمز باید قانون و آرمانهای انقلاب اسلامی باشد نه دوستان و رفقا. اگر اتهامی متوجه عضوی از کابینه است

احمدی نژاد در ادامه سخنان خود از رقم دوهزار میلیارد تومان مصرف سیگار در کشور نام برد و گفت این رقم طمع "برادران قاچاقچی خودمان" را هم تحریک کرده. که آشکارا منظور سران و دست اندرکاران سپاه پاسداران بود. بعد از صحبت های احمدی نژاد، محمد علی جعفری فرمانده کل سپاه گفت: "این بحشی انحرافی است که توسط افرادی که به نظر ما ذینفع هستند، مطرح می شود." از سخنان سردار جعفری می توان نتیجه گرفت که خشم رئیس جمهور بخاطر کنار گذاشته شدن از شبکه اقتصاد زیرزمینی و بازار قاچاق، است. موضوع قاچاق از طریق بنادر و اسکله های سپاه پاسداران که تابع هیچ ضابطه و قانونی نیستند، چندین سال است که موضوع جنگ و اختلاف جناح ها و بحث رسانه های جمهوری اسلامی است. بر اساس آمار رسمی بیش از یک سوم واردات کشور از طریق قاچاق وارد می شود. تحریم های اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی قاچاق را یک رکن اصلی اقتصاد رژیم قرار داده است. سپاه پاسداران در سازماندهی قاچاق کالا نقش اصلی را دارد و تعداد زیادی از بنادر و اسکله های جنوب کشور بویژه در مرزهای جنوبی در اختیار سپاه هستند. در سالهای اخیر نقش سپاه در قاچاق مواد مخدر به سایر کشورهای جهان بویژه اروپا موضوع گزارشات و بحث های رسانه های بین المللی بوده است.

این افشاگری ها خامنه ای را ناچار کرد که برای چندمین بار به جناح های نظام از عواقب این کار هشدار دهد. او در روز ۱۳ تیر در جمع تعدادی از فرماندهان سپاه به سوء استفاده دشمنان اشاره کرد و گفت که "بگو مگو ها را آشکار نکنید". هراس از مردم را می توان در این جملات رهبر نظام دید. جدال با دار و دسته احمدی نژاد و حذف او باید بی سر و صدا انجام شود. اما تلاش خامنه ای بی فایده است، جدال های درون نظام را نمی توان اختلافات عادی سیاسی دانست. این نزاع ها بسیار عمیق و حاد است و دیر نخواهد بود که وارد مرحله حذف فیزیکی طرف مقابل و کشمکش های جدی شود. حکومتی ها میدانند که

مساله آنچنان است که اگر کسی از پنهان کردن نزاع حرف بزند یا احمق است و یا فقط ادای مسخره در می آورد. فرمانده کل سپاه در مصاحبه ای با خبرگزاری مهر در روز ۱۴ تیر اعلام کرد قوه قضائیه برخورد با افراد مرتبط با جریان انحرافی را بر عهده سپاه گذاشته است و بر اساس حکم قاضی دادستانی اقدام به دستگیری این افراد کرده است. علی یونسی وزیر اطلاعات سابق رژیم در دوره خاتمی نیز در گفتگو با روزنامه شرق در دهم تیر ماه از شکلگیری گروههای تروریستی جدید درون حاکمیت جمهوری اسلامی و دست بردن آنها به اسلحه برای به کرسی نشاندن حرف خود، خبر می دهد. جناحهای مختلف جمهوری اسلامی از ظرفیت توحش یکدیگر با خیرند، بی اعتمادی و وحشت از یکدیگر ارگانهای مختلف رژیم را از فلج کرده است. این عوامل را می توان مهمترین دلایل ایستادگی احمدی نژاد در مقابل حملات باند رقیب دانست. سایت "هفت صبح" وابسته به رحیم مشایی نوشت: "چرا راستش را نمی گوید که از ترس واکنش مردم توانایی برخورد سریع و کنار زدن سریع را ندارید."

"واکنش مردم" عاملی است که که جناحهای رژیم یکدیگر را از آن می ترسانند. پراکنده تر شدن و شکننده تر شدن رژیم می تواند فرصت مناسب دیگری برای مردم فراهم کند تا به خیابانها بیایند و بساط رژیم و تمام جناحهای آنرا جارو کنند.*

پذیرش شکست یک طرح بیست و چهار ساله

محمود احمدی نژاد در نامه ای به وزرای علوم و بهداشت و درمان دولت خود، با بازنشسته کردن بی رویه اساتید دانشگاه و تشکیل کلاس های تک جنسیتی بدون ملاحظه تبعات آن، مخالفت کرد. این حرکت را می توان یک شکست دیگر رژیم برای اسلامی کردن دانشگاهها دانست و نامه رئیس جمهور اسلامی را هم می توان نمونه ای از شارلاتانگری به حساب آورد. او در نامه خود نوشته است: "شنیده شده است که اساتید بی رویه بازنشسته می شوند... اخراج و بازنشسته کردن اساتید دانشگاه در دو سال اخیر شدت بیشتری گرفت و احمدی نژاد خود بعنوان رئیس شورای فرهنگی

مستقیماً دستور بازنشسته کردن صدها استاد دانشگاه را صادر کرده است، اما در نامه خود تلاش می کند که خود را به بی خبری بزند. این عبارت در مورد طرح تفکیک جنسیتی هم بکار رفته است: "شنیده شده است که در برخی دانشگاهها، رشته ها و کلاس های تک جنسیتی بدون لحاظ تبعات اعمال می گردد." همه میدانند که اجرای این طرح در برنامه انتخاباتی احمدی نژاد بود و تلاش های زیادی از طرف شورای انقلاب فرهنگی برای انجام آن صورت گرفت. این طرح در اواسط دهه ۶۰ تصویب شد. کامران دانشجو وزیر علوم میگوید "این طرح ۲۴ سال است که تصویب شده است! با وجود یک عالمه جنایت و لشکر کشی رژیم اسلامی تا بحال در اجرای کامل آن کاملاً ناکام بوده است. اکنون نیز با وجود غرولند هایی که بعضی از مراجع تقلید در این مورد می کنند، جمهوری اسلامی تشخیص داده است که زمان برای اجرای این طرح مناسب نیست. اما احمدی نژاد در میانه دعوا تردستی کرده و سیاست عقب نشستن از این طرح شکست خورده را به نام خود ثبت کرد. حتی سایت الف متعلق به احمد توکلی هم در مطلبی نوشت که خامنه ای در مورد اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها دستوری نداده است و انتساب این کار را به خامنه ای تخریب رهبری دانست. این سایت هدف طرح تفکیک جنسیتی را به آشوب کشیدن دانشگاه ها دانست! براستی جالب و شعف آور نیست؟ طرح و سیاستی جنایتکارانه که سالهاست برای عملی کردن آن تلاش و تقلا و جنایت کرده اند، امروز صاحب پیدا نمیکند و هرکس گناهش را به گردن دیگری می اندازد!! با وجود تعطیلی دانشگاهها در فصل تابستان آغاز زمزمه های اعتراضی دانشجویان در مورد بازنشسته کردن اساتید و اجرای طرح جداسازی جنسی، رژیم را نگران کرده است. هر کدام از جناح های رژیم تلاش می کند تا این حرکات را به جناح رقیب نسبت داده و خود را از زیر ضرب اعتراضات مردم و بویژه دانشجویان خارج کند. با وجود تمام اختلافات هر دو جناح تلاش می کنند تا مانع از بروز اعتراضات مردم و بخصوص دانشجویان شوند و بتوانند تا

برگزاری مضحکه انتخاباتی بعدی باقی بمانند.*

جنش علیه اعدام و معضل قاتلین دولتی

شرکت دانمارکی لوندیک که تولید کننده دارو و مواد شیمیایی است استفاده از تولیدات این شرکت را برای اجرای احکام اعدام ممنوع کرد. تعدادی از ایالات آمریکا که حکم اعدام در آنها اجرا می شود از ماده پنتوباریتال که توسط شرکت لوندیک تولید می شود، برای اجرای احکام اعدام استفاده می کرده اند. این شرکت اعلام کرده است که بر علیه کسانی که این سیاست شرکت در مورد استفاده از تولیدات دارویی آن را نقض کنند، اعلام جرم خواهد کرد. از مدتی قبل مبارزه وسیعی بر علیه شرکت لوندیک در رسانه های اینترنتی نظیر فیس بوک و توییتر به راه افتاد و دهها هزار نفر از مردم و بسیاری از سازمانها و احزاب مترقی مخالفت خود را با هرگونه کمک به انجام اعدام ها اعلام نمودند. بالاخره در ماه فروردین شرکت لوندیک مخالفت خود را با استفاده از پنتوباریتال برای انجام عمل اعدام اعلام کرد و هفته گذشته این مخالفت جنبه قانونی بخود گرفت. در حال حاضر زندانهای آمریکا دچار کمبود مواد لازم برای اجرای احکام اعدام هستند. قبل از آن شرکت های ایتالیایی و آلمانی هم استفاده از تولیدات خود برای اجرای احکام اعدام را ممنوع کرده بودند. با مبارزات وسیعی که سازمانهای انسان دوست و بسیاری از مردم آمریکا به پیش برده اند، اجرای احکام اعدام توسط دولت های فدرال محلی محدودیت های زیادی پیدا کرده است. بیشتر اعدام ها به وسیله تزریق مواد سمی انجام می شود و شرکت های اصلی تولید کننده این مواد استفاده از آن را ممنوع کرده اند. در حال حاضر اجرای بسیاری از احکام اعدام در زندانهای آمریکا بخاطر کمبود مواد سمی لازم، متوقف شده است. عمل وحشیانه اعدام مورد تنفر و انزجار اکثریت مردم دنیا است. مبارزه برای قتل عمد دولتی بخشی از مبارزه مردم جهان امروز با توحش بازمانده از دوران قرون وسطی است.*

انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

دور جدید طرح "امنیت اخلاقی و اجتماعی" رژیم!



محمد شکوهی

از اواسط خرداد ماه جمهوری اسلامی برای سومین بار در سال جاری اعلام کرد که "طرح امنیت اخلاقی و اجتماعی" را به اجرا می گذارد. همزمان اعلام شد که به دلیل گرمی هوا و "اوج گیری بی بند وباری و بدحجابی" این طرح در استانهای شمالی و تهران با شدت بیشتری به اجرا گذاشته می شود. نیروی انتظامی رژیم با اعلام دستگیری بیش از ۴۰۰۰ نفر، آغاز دور جدید "طرح امنیت اجتماعی" در ۱۰ استان کشور را اعلام کرد. روز ۶ تیر رادان و احمدی مقدم خبر از گسترش اجرای طرح در بیش از ۲۳ استان کشور دادند. علاوه بر مبارزه با "بدحجابی"، نیروی انتظامی اعلام کرد همزمان طرح "امنیت محله محور" را در تهران و چندین شهر بزرگ کشور به اجرا می گذارد. اواسط هفته گذشته ساجدی نیا گزارش کار و فعالیت های ناجا را در طول دو هفته ای که از اجرای این طرح می گذارد، ارائه داد. وی گفت: طی ۴۸ ساعت بیش از ۲ هزار "معتاد بی خانمان و بیمار" از سطح شهر تهران جمع آوری و به "اردوگاه شفق" منتقل شده اند. نظارت بر آلتیه ها و آرایشگاههای مردانه، شناسایی و پلمپ شوهای لباس زیرزمینی، آغاز عملیات گشت شبانه در بزرگراههای تهران از جمله مهمترین اقدامات نیروی انتظامی بوده است. این جناب تاکید کرد که اجرای طرح امنیت اخلاقی در پارکها و تفرجگاهها، ممنوعیت حضور فروشنده مرد در فروشگاههای زنانه شناسایی و پلمپ شوهای لباس زیرزمینی و برخورد با ۳۰ جرم در طرح "امنیت محله محور"، از جمله فعالیتهایی هستند که در دست اجرا می باشند. او همچنین از اجرای عملیات گشت شبانه در بزرگراههای سطح شهر خبر داد. "حفظ امنیت اخلاقی و اجتماعی" یک سیاست همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. این بهانه رژیم برای ایجاد فضای

نزد توده مردم نیست این را دیگر سالهاست که مردم میدانند. بخصوص قاچاق مواد مخدر را. اما اینکه احمدی نژاد در يك سخنرانی رسمی در باب مبارزه با قاچاق کالا ارگان اصلی سرکوبگر مردم را به قاچاق متهم میکند نشان از این دارد که احمدی نژاد قصد تسلیم شدن و "ذوب در ولایت" را ندارد. این یعنی احمدی نژاد برای خامنه ای و کل حکومت که به آن دخیل بسته بودند که نجات شان دهد تف سر بالا شده است معلوم شده که این از آن امامزاده هاست عوض اینکه شفا دهد که کور میکند. استاد دانشگاهی است به نام صادق زیبا کلام، که سینه چاک رفسنجانی است و کتابی با عنوان "رفسنجانی بدون روتوش" منتشر کرده است تا چهره امیر کبیری از او در نزد مردم بسازد؛ چند روز قبل از سخنان اخیر احمدی نژاد گفته بود: توپ تو زمین احمدی نژاد است و با او است که تسلیم شود و دو سال باقیمانده از ریاست جمهوری اش را به سلامت بگذراند یا بجنگد که در آن صورت کارش تمام است یا استعفايش میدهند یا عدم کفایتش را صادر میکنند! احمدی نژاد با سخنانی که در مورد سپاه گفته نشان داده که قصد جنگیدن دارد و این بیش از هر چیز به نفع ما مردم است. خامنه ای هر چه نهب میزند که حرفهای دشمن شاد کن نزنید! اما کسی حرفش را نمی خرد، این بدان خاطر است که کنترل اوضاع دارد از دست شان در رفته است. با وجود عدم جریان اعتراضات توده ای علنی و خیابانی اما انقلاب در عمق جامعه زنده است، و نیز خیزش مردم منطقه برای دفع دیکتاتورها بخصوص انقلاب سوریه که مستقیمی به سرنوشت این حکومت گره خورده است تمام حساب و کتابهای این حکومت را بهم ریخته. خود خامنه ای در صحبتهای روز دوشنبه گذشته ضمن اینکه تاکید میکند در اختلافات ندید خود طاق ت نیابوده است و بر علیه آرزوی احمدی نژاد مبنی بر تعلق هزار متر زمین به هر خانوار تا در آن خانه نقلی بسازند و گوجه و خیار و گیلاس بکارند، موضع میگیرد تا نشان دهد که عقل تو کله این احمدی نژاد نیست و این نشان داد که خود خامنه ای نیز کنترلی بر اوضاع و حتی احوالات شخصی خودش هم ندارد. مقاومت احمدی نژاد و جنگیدن او برای بقا،

حکومت ضد زن بزرگترین ناهنجاری اجتماعی



سپهילה شریفی

سردار ساجدی نیا رئیس پلیس تهران بزرگ روز دوشنبه این هفته در جمع خبرنگاران اعلام کرد که از بیستم تیر ماه ورود زنان به چایخانه ها ممنوع اعلام می شود. او گفت این طرح در راستای برخورد با ناهنجاریهای اجتماعی و به درخواست مردم ارائه شده است. البته این طرح هنوز درگیرنده همه چایخانه ها نمی شود. چرا که جاهاتی که دیزی سرا نامیده می شوند و یا سفره خانه هستند و ظاهرا بیشتر خانوادگی هستند را نمی توان برای خانمها ممنوع کرد. در همین چند کلمه سخنان پرپراکند جناب آقای سردار نکات فراوانی نهفته است که عمق ارتجاعی بودن ایشان را نشان می دهد. وقتی ایشان می گویند به "درخواست مردم"، منظورشان روشن است که مردم عادی کوچک و خیابان نیست. منظور ایشان از "مردم" حاج آقا قرآنی، حاج آقا سید احمد خاتمی، آیت الله علم الهدی، یک مشت آخوند ریش و پشم دار و یا گله بسیجی ها و اوپاش لباس شخصی تحت امر ایشان است که اینروزها آه و ناله اشان از بی حجابی و بدحجابی زنان بلند شده و هر جا بلندگو دستشان می رسد از خطرات جلی که زنان برای نظامشان ایجاد کرده اند ضجه می زنند. آخوندهای مرتجعی که انسانها را فقط با غرایز جنسیشان تعریف می کنند و فکر می کنند همه مردان از دیدن دوچرخه سواری یک دختر جوان

"شهوتشان گر می کشد" (ادبیات تیبیک آخوندی!!) و دیدن صحنه های کشتی مردان ممکن است زنان را به فساد بکشاند. احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران حتی از اینهم فراتر رفته و گفته بدحجابی تجاوز به حقوق مردم است! یعنی مردمی که صبح تا شب دارند قوانین اسلامی را زیر پا می گذارند، زیر بار حجاب و آبروتابید و جداسازی جنسیتی نمی روند و مردمی که وسط شهر برنامه پخش موزیک و رقص جمعی راه می اندازند و راه را بر مامورین حکومتی می بندند، همه دارند به حقوق خودشان تجاوز می کنند و حاج آقا سید احمد باید بیایند و با مامورین تا دندان مسلحان مردم را با قصد "دفاع از حقوق خودشان" زندانی و شکنجه کنند!!

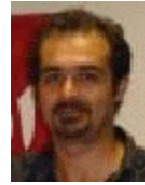
طبق معمول ساجدی نیا هم برای توجیه طرحهای سرکوبگرانه و ضد زن رژیم به حربه مبارزه با "ناهنجاریهای اجتماعی" پناه می برد. تا جایی که به اکثریت عظیم مردم ایران، اعم از زن و مرد، بر می گردد تنها ناهنجاری موجود در جامعه کنونی ایران جمهوری اسلامی و دارو دسته اراذل و اوپاش سرکوش هستند. جامعه ای ناهنجار است که دم در قهوه خانه و چایخانه هایش مامور مسلح می گذارد که از ورود نیمی از جمعیت فقط به جرم زن بودن جلوگیری کند. ناهنجاری جایی است که پلیس و نیروی انتظامی بیشترین کارش مبارزه با زنان، باشد. ناهنجاری وقتی است که مردم از دست نیروهای پلیسی حتی در حریم خصوصی خود آسایش نداشته باشند و نتوانند در خانه هایشان هم بدون ترس مهمانی بگیرند. ناهنجاری در مورد حکومتی صدق می کند که بقایش به پوشاندن چند تار موی زنان و بیرون راندن آنها از امکان عمومی بسته است.*

توده های مردم شده است. احمدی نژاد همان احمدی نژاد قبل است و خامنه ای همچنین، هر دو قاتل مردم و غارتگر ثروت جامعه، دعوی این دو دعوا بر سر بقای کل حکومت است دعویایی که عملاً شیرازه این حکومت را دارد از هم می پاشند و همانگونه که اشاره شد این دعوا به نفع توده مردمی است که خواهان سرنوشتی کل حکومت اسلامی میباشند.*

توپ را نه تنها در زمین ایشان بلکه در زمین جمهوری اسلامی نگه داشته است و هر کارگزار این حکومت که تلاش میکند توپ را دفع کند برعکس محکمت به سوی "خودپها" شوت میکند. اما این توپ تنها در زمین جمهوری اسلامی نیست بلکه در زمین اپوزیسیون طرفدار رژیم هم هست، آنها مانده اند که طرف کی را بگیرند که باعث رسوایی بیش از پیش شان نشود. مقاومت احمد نژاد از هر جهت به نفع

از اسکله های "نامرئی" تا اسکله های "غیرمجاز"!

هادی وقتی



جنگ و دعوا بر سر "اسکله های غیرمجاز" را در عین حال میتوان در زمره افشاکری های متعددی بحساب آورد که اینروزها حامیان و دار و دسته های احمدی نژاد و خامنه ای در تلاش برای از میدان به در کردن همدیگر اینجا و آنجا اعلام می کنند. می گویم در عین حال، برای اینکه اینبار رقابت بر سر گلوگاههای دزدی و فساد حکومت - و هزار و یک دزدی یا جنایت دیگری که سران و مقامات این رژیم در طول این سی و دو سال از این بنادر و اسکله ها صادر یا وارد کرده اند - مستقیماً میان خامنه ای بعنوان ولی فقیه و ستون فقرات کل حکومت و احمدی نژاد به مثابه عزیز دردانه ای که اینروزها بر علیه همه چیز و همه کس نظام شوریده است، درگرفته و حتی لایه های نظامی و امنیتی "سپاه پاسداران" - یعنی تمامی سرمایه آدمکشی و دزدی رژیم - را هم در امان نگذاشته است!

ماجرا از آنجا اینبار بالا گرفته است که احمدی نژاد طی یک سخنرانی در مراسمی که "سازمان مبارزه با قاچاق کالا و ارز" - به ریاست قاضی سعید مرتضوی معروف - ترتیب داده بود، خواست شاید به یاد دوران بازجویی ها و آدمکشی هایش هم که شده، تیر خلاصی بزند به جناح ولی فقیه که اینروزها تمامی مدیران و برنامه ریزان دزدی ها و غارتگریهای رئیس جمهور را در زندان کرده است. بااصطلاح تیر خلاصی به سران و سرداران برنامه ریز سپاه پاسداران که به نمایندگی از خامنه ای در تمام لایه های حکومت جاسوسی می کنند و سی سال است مشغول آدمکشی و جنایتند. احمدی نژاد تلاش داشت در آن سخنرانی بگونه ای نشان دهد که گویا دیگر کارد به استخوانش رسیده و حامیان دیروز خود را در سطوح نظامی - امنیتی نظام با هدف پیروزی خود و دولتی که "دولت ظهور"ش می نامد، هدف قرار داده است. بله، احمدی نژاد همچنان بی محابا دارد کل حکومت را افشا می کند! می گوید "هر کسی یک جایی را برای خودش سوراخ کرده و می برد و می

وارونه تاریخ بگونه ای نشان می داد که گویا سند این بنادر را به اسم این جانباز زده اند که در معادلات قدرت میان خودشان، زمانی آنرا بدست بگیرند و گاهی واگذارش کنند و سودهای سرشار و میلیاردری به جیب بزنند! و باید گفت سی سال، از اصلاح طلب و محافظه کار تا اصولگرایان خودی و غیرخودی کنونی حکومت، همین بساط بوده که برقرار بوده است. اسکله ها و بنادری که بنگاههای رسمی دزدی و جنایت سران حکومتند و هیچ حسابرسی و نظارتی هم در کارشان صورت نمی گیرد. اسکله ها و بنادری غول پیکر که چگونه ممکن است "غیرمجاز" باشند، معلوم نیست! در واقع، اصطلاح "غیرمجاز" یا "نامرئی" فقط تلاش برای یک نوع رسمیت بخشیدن زیرکانه و فریبکارانه برای دزدی و چپاول در روز روشن است.

تمام این بند و بساط دزدی و چپاول فقط گوشه ای از ثروت هایی است که حاکمان مذهبی از جیب مردم و کارگران جامعه دزدیده اند و هم اکنون، تمام این به جان هم افتادن ها و همدیگر را لت و پار کردن ها بخاطر خشم و ناراضیاتی عمیق و بی انتهای همین مردم و جوانان محروم، گرسنه و بیکار است. مردم و جوانان معترض و ناراضی ایران که مراسم سخنرانی احمدی نژاد را از رسانه های دولتی مشاهده کردند، سعید مرتضوی را هم در کنار او دیدند! دیدند و در کنار تمام این دزدی ها، آدمکشی ها، شکنجه ها و تجاوزهای رژیم اسلامی را هم در دوره ای که سعید مرتضوی دادستان تهران بود و بدستور احمدی نژاد و خامنه ای و سرداران سپاه بسیج می کشت و شکنجه و تجاوز می کرد، بیاد آوردند. مهره ای بالفطره آدمکش که حکومت مدتی پیش برای کنار کشیدنش از تیررس خشم مردم معترض در جریان دادگاههای نمایشی بازداشتگاه کهریزک، از داستانی تهران به ریاست سازمان مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوبش کرد. مردم ایران این همه را دیدند و می بینند و به همان نتیجه ای می رسند که معاون رئیس جمهور سابق سوریه اینروزها در مورد رژیم بشاراسد بر زبان رانده است: "هیچ راهی جز تغییر نظام در سوریه باقی نمانده است!" او در مورد ایران، مدتهاست که وضعیت بدینگونه

در آستانه ۱۸ تیر متحد و یکصدا برای سرنگونی رژیم اسلامی

تهران و پاریس و لندن سران حکومت اسلامی آبرویاخسته ترین حکام و حکومتشان ضد انسان ترین حکومت شناخته می شود. مبارزات مردم ایران در معادلات سیاسی جهان تاثیر گذار و تعیین کننده شده و مناسبات بین المللی رژیم را تحت تاثیر قرار می دهد و همه اینها در نتیجه مبارزات مردم برای رهایی از شر نظام اسلامی ست.

مردم و به خصوص جوانانی که همه آزادی و رفاه و حرمت و کرامت انسانی را می خواهند در نتیجه مبارزات چندین ساله خود به خوبی می دانند حکومت اسلامی را نمی شود مرمت کرد، نمی شود اصلاح و بازسازی کرد، همه جناح ها و دسته بندی های رژیم را تجربه کرده اند و می دانند همه شان سر و ته یک کرباسند.

شکی نیست که حکومت اسلامی تا زمانی که بتواند چوبه های دارش را برپا کند برقرار خواهد ماند، اما بنای جهل و چپاول و سرکوب اسلامی را باید در هم شکست، ما می توانیم و باید در ادامه مبارزاتمان با متشکل شدن حول رادیکالترین و انسانی ترین مطالباتمان، با اتحاد و همدلی برای آزادی و رفاه و برقراری جامعه ای بر اساس حرمت و کرامت انسانی بختک حکومت اسلامی را از سر جامعه ایران

و جهان برداریم. زنده باید سوسیالیسم مرگ بر جمهوری اسلامی پیروز باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

سازمان جوانان کمونیست ۱۴ تیر ۱۳۹۰، ۵ جولای ۲۰۱۱

خاتمی و اسکله های نامرئی تا احمدی نژاد و اسکله های غیرمجاز، باید بساطش را جمع کند. این مهم هر روز بیشتر از روز پیش، روشن تر و ملموس تر پیش روی مردم، جوانان و کارگران بیجان آمده ایران قرار می گیرد.



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفرد

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

0044-7852 338334



اطلاعیه شماره ۱۱۳

محمد جراحی باید فوراً از زندان آزاد گردد

محمد جراحی فعال کارگری، کارگر اخراجی عسلویه و عضو کمیته پیگیری روز ۳۰ خرداد بدنبال احضار به شعبه ۱۱ اجرای احکام دادگاه انقلاب دستگیر و روانه زندان شد. دادگاه جمهوری اسلامی او را بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران به ۴ ماه زندان محکوم کرده است. همراه با خانواده محمد جراحی، همراه با کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران این دستگیری و فشار بر روی فعالین و رهبران را کارگری از محکوم کنیم. محمد جراحی قبلاً نیز در سال

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ تیر ۱۳۹۰، ۵ ژوئیه ۲۰۱۱

خانواده و وکیلش، اجازه ملاقاتی به وی داده نشده است. و تنها روشن شده است که پرونده او برای بررسی به شعبه ۴ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در تبریز ارجاع شده است.

مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی از اتویوس پیاده و دستگیر و زندانی شد. بنا بر گزارش های منتشر شده از زمان دستگیری شاهرخ تا کنون خبری از وی در دست نیست و علیرغم پیگیری های مستمر

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور
خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفرد: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:
I.K.K, Box: 2110, 127
02 Skärholmen -



Free Behnam

شود. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و فعالین سیاسی باید لغو شود. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۵ تیر ۱۳۹۰، ۶ ژوئیه ۲۰۱۱



Free jailed Iran unionist Reza Shahabi

منصور اسانلو و ابراهیم مددی دو تن دیگر از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه در زندانند. رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۵ تیر ۱۳۹۰، ۶ ژوئیه ۲۰۱۱

دوستانش تحت فشار قرار گرفتند که اجباراً از کمیته هماهنگی استعفا دهند. اما با مقاومت این فعالین کارگری و اظهار آنان مبنی بر اینکه عضویت در تشکل های مستقل حق مسلم آنان و قانونی است از عضویت خود در کمیته هماهنگی دفاع کردند. بنا بر همین خبر صدور این حکم برای خالد تنها به بهانه هایی نظیر انجام مصاحبه صورت گرفته است.

شاهرخ زمانی همچنان در زندان است

بنا بر گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، روز ۱۷ خرداد شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی و عضو کمیته پیگیری در حالی که در حال مسافرت بود، در میانه ی راه تهران- تبریز توسط

اطلاعیه شماره ۱۱۵

بهنام ابراهیم زاده به ۵ سال زندان محکوم شد

بنا بر خبرهای منتشر شده روز دوشنبه ۱۳ تیرماه حکم بدوی ۵ سال زندان بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری و از فعالین دفاع از حقوق کودک به وکیل مدافع وی خانم محمدی، ابلاغ شد. بهنام قبلاً در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب رژیم به ۲۰ سال زندان و ده سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شده بود که با اعتراض خانواده و وکیل پرونده وی در ۲۲ خرداد ماه دوباره دادگاهی

اطلاعیه شماره ۱۱۴

وضعیت جسمی رضا شهابی وخیم است

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود

بنا بر گزارشهای منتشر شده رضا شهابی فعال کارگری و عضو هیات رئیسه سندیکای واحد در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد. خارش های مداوم و زخم شدن پوست بدن رضا که در نتیجه آزمایش معلوم شده که مربوط به چربی کبد است او را آزار میدهد. مسئولان زندان اقدامی برای معالجه او نکرده و تنها به انجام سونوگرافی در بهداری زندان وعده داده اند که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز پزشکی وی نیست. چندی پیش نیز رضا دچار مشکل

خونریزی های مداوم از بینی شده بود. و او از بیماریهای دیگر چون درد گردن و کمر رنج میبرد. جمهوری اسلامی در قبال جان رضا شهابی مسئول است. رضا شهابی باید فوراً آزاد شود.

رضا شهابی از ۲۲ خرداد سال گذشته در زندان است و هنوز حتی وضع پرونده او روشن نیست. جرم او اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکل خود سندیکای واحد است. به غیر رضا شهابی،

زندان و دادگاه علیه فعالین کارگری

در شهر سنندج به ۱ سال حبس تعلیقی محکوم شد

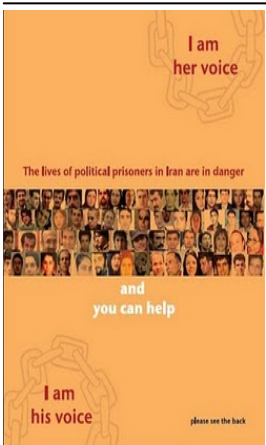
بر اساس گزارش کمیته هماهنگی، روز شنبه ۲۸ خرداد ماه محاکمه ی خالد حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر سنندج برگزار شد. در این جلسه ی محاکمه که فقط چند دقیقه طول کشید، خالد حسینی از فعالین شناخته شده کارگری در این شهر به يك سال زندان تعلیقی که در ۵ سال معلق شده است، محکوم گردید. خالد حسینی به همراه ۳ تن دیگر از فعالین کارگری در این شهر چند روز قبل از اول ماه مه، احضار و بازداشت و سپس به قرار وثیقه ی سنگین آزاد شد. در مدت بازداشت، او و دیگر

یداله قطبی از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سنندج به دادگاه احضار شد

به گزارش منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری یدالله قطبی از فعالین کارگری شهر سنندج و عضو این کمیته، طی احضاریه ای از سوی دادگاه رژیم در این شهر، برای تاریخ ۲۲ تیر به شعبه ۲ این دادگاه احضار شده است. یداله قطبی چند روز قبل از مراسم اول ماه مه به همراه سه تن دیگر از رفقاییش به جرم تلاش برای برپایی اول مه روز جهانی کارگر، به اداره اطلاعات احضار و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه ای ۵۰ و ۳۰ میلیون تومانی از اداره اطلاعات آزاد شدند.

خالد حسینی از فعالین کارگری

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی



مذهبی، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی
۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادهای سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایندولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر،

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, WA 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبید گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

کمک مالی اردیبهشت ماه حوزه انترناسیونال هفت میلیون ریال (هفتصد هزار تومان)



عکسی از تظاهرات در همبستگی با مبارزات مردم سوریه، در برلین آلمان



دو تصویر از میز اطلاعاتی ایران سولیداریتی در گوتنبرگ سوئد





سنگسار در دنیا شناخته شده است. هنوز سازمان ملل این روز را ثبت نکرده و باید برای تثبیت این روز تلاش کرد. اما سازمانهای متعددی این روز را به رسمیت شناخته اند. در بالای این صفحه پوستر بزرگترین سازمان مدافع حقوق زن از آلمان، "تره ده فام" را به مناسبت روز جهانی علیه سنگسار ملاحظه میکنید. امسال ۱۱ جولای در همه جا به خیابان میرویم و اعلام میکنیم که سنگسار در همه جا باید فوراً ممنوع شود. همه محکومین به سنگسار از زندانها در ایران و در هر کشور دیگری که محبوس هستند، باید آزاد شوند. سکینه محمدی آشتیانی باید فوراً از زندان آزاد شود.

از همه علاقمندان دعوت میکنیم به این حرکت جهانی پیوسته و بهر طریق ممکن به جنبش علیه سنگسار کمک کنند. روز دوشنبه ۱۱ جولای در هر جایی که هستید میتینگ و تظاهرات سازمان دهید و این حرکت را گسترده تر کنید. تا کنون شخصیت های سرشناسی همچون ریچارد داوکینز از این حرکت دفاع کرده و سازمانهای مدافع حقوق زن در هلند و انگلیس و آمریکا فراخوان به تظاهرات داده اند. کمک کنید این حرکت را گسترده تر کنیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار قانون برابر برای همه ایران سولیدارتی ۶ جولای ۲۰۱۱

مناسبت صادر کرد. سازمان اومانستهای آمریکا از فراخوان ۱۱ جولای دفاع کرد تا کنون در شهرهای لندن و پاریس و در هلند اعلام تظاهرات از سوی سازمانهای بین المللی شده است.

واشنگتن پست نوشت یکسال قبل سازمانهای مدافع حقوق انسانی از سراسر جهان توجه ها را به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی جلب کردند. اکنون روز ۱۱ جولای را از سوی سازمانهای متعددی بعنوان روز جهانی علیه سنگسار نامیده شده و قرار است در این روز باز هم میتینگهای علیه سنگسار و برای نجات سکینه محمدی آشتیانی برگزار شود. واشنگتن پست ادرس صفحه ۱۱

اطلاعیه شماره ۴ ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار است! به این حرکت بین المللی بپیوندید!

هفت سال قبل در یک جلسه با حضور چندین سازمان مدافع حقوق انسانی و از جمله نمایندگانی از سازمان عفو بین الملل، سازمان جهانی علیه شکنجه، سازمان زنان تره ده فام و کمیته بین المللی علیه سنگسار و چند سازمان دیگر در مورد ضرورت و مبرمیت اعلام یک روز بعنوان روز جهانی علیه سنگسار صحبت شد. در مورد اینکه چه روزی به عنوان روز جهانی علیه سنگسار اعلام شود، مباحثاتی وجود داشت و در نهایت پیشنهاد مینا احدی تصویب شد. روزی معطوف به ایران بدلیل اینکه بیشترین احکام سنگسار در ایران اعلام و اجرا شده است. ۱۱ جولای روز سنگسار شدن مریم ایوبی به عنوان روز جهانی علیه سنگسار تصویب شد.

روزی که مادر دو کودک ۶ و ۸ ساله، زنی ۳۱ ساله در زندان اوین سنگسار شده بود. مریم ایوبی بعد از یک کمپین گسترده جهانی در دوره خاتمی، سبعانه و وحشیانه سنگسار شد. مریم را در حالیکه از ترس بیهوش بود، با برانکاره به محل اجرای حکم در کنار دیوار زندان اوین آورده و پاسداران و شکنجه گران او را سنگسار کردند. اکنون روز جهانی علیه

کمپین ممنوعیت فوری سنگسار و کمپین کمیته بین المللی علیه سنگسار دفاع میکنند.

ما یکبار دیگر از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی و از شخصیت ها و هنرمندان و نویسندگان و مخالفین سنگسار دعوت میکنیم که در آستانه روز جهانی علیه سنگسار ۱۱ جولای از کمپین ما دفاع کنند. کمیته بین المللی علیه سنگسار قانون برابر برای همه ایران سولیدارتی ۵ جولای ۲۰۱۱

اطلاعیه شماره ۳
واشنگتن پست خبر روز جهانی علیه سنگسار را انعکاس داد شورای زنان بلژیک از این فراخوان استقبال کرده و بیانیه ای به این

اتهامات او چه میکنیم" در حقیقت جمهوری اسلامی ایران سکینه را به گروگان گرفته و هر تصمیم در مورد او ممکنست بگیرد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار، نهاد ایران سولیدارتی و قانون برابر برای همه از همگان دعوت میکنند در روز جهانی علیه سنگسار دو شنبه هفته آینده بهر طریق ممکن، به سنگسار این نمونه توحش و بربریت اسلامی اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری سکینه و هوتن کیان شوند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار ایران سولیدارتی قانون برابر برای همه ۵ جولای ۲۰۱۱

اطلاعیه شماره ۲ نامه سیروس نورسته فیلمساز فیلم "سنگسار ثریا میم" در مورد روز جهانی علیه سنگسار



فیلم "سنگسار ثریا میم" در سال ۲۰۰۸ در آمریکا ساخته شد. این فیلم در دنیا توجه های زیادی را بخود جلب کرد و سنگسار را در دنیا این فیلم سیروس نورسته بود. ایشان در دفاع از فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد قانون برابر برای همه و ایران سولیدارتی، برای ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار، نامه ای برای ما ارسال کرده است که در اینجا آنرا ملاحظه میکنید.

نورسته مینویسد که ثریا منوچهری در روستای کوهپایه در ایران سنگسار شد. او از همسرش تقاضای پرداخت محارج فرزندان را داشت. همسر ثریا از یک سیستم قانونی در ایران استفاده کرد یعنی از قانون شریعه که متکی بر تبعیض و شکنجه و تحت فشار گذاشتن مردم و بویژه زنان است. سرگذشت ثریا نمونه ای از رفتار وحشیانه حکومت اسلامی در مورد زنان بود و سیروس مقامات استان آذربایجان گفتند: "خانم آشتیانی دوره زندان را میگذراند و هنوز معلوم نیست در مورد بقیه

سنگسار تماس گرفتند و گفتند، سنگسار به حفظ نهاد خانواده کمک میکند و خود زنان خواهان آن هستند و چرا علیه آن کمپین اعتراضی سازمان میدهید. حکومت اسلامی ایران فعالین علیه سنگسار را تهدید کرد و هر آنچه در توان داشت علیه این کمپین بکار گرفت و در نهایت مریم ایوبی کارمند شرکت نفت را سنگسار کرد.

مریم تنها قربانی سنگسار در ایران نبوده و نیست. حکومت اسلامی ایران بنا به گزارشات رسانه های رسمی خود تا کنون و در طول سی و دو سال حداقل ۱۵۰ نفر را سنگسار کرده است. این نمونه بارز جنایت علیه بشریت است. کمیته بین المللی علیه سنگسار به همراه چندین سازمان بین المللی مدافع حقوق انسان روز ۱۱ جولای را روز جهانی علیه سنگسار نامیده و این روز در دنیا تا کنون از سوی نهادهای متعددی به رسمیت شناخته است.

امسال ۱۱ جولای را در سراسر جهان به یاد و برای نجات سکینه محمدی آشتیانی برگزار خواهیم کرد. بعد از یک کمپین بسیار گسترده بین المللی، بعد از اینکه دنیا متوجه این جنایات شده و به آن عکس العمل نشان داد، ۱۱ جولای امسال در هر جایی که امکانش باشد با برگزاری برنامه های متعدد و از جمله فلاش موب و میتینگ و جلسات سخنرانی و ... سعی کنید از این حرکت دفاع کرده و عکس و فیلم برنامه های خود را برای ما ارسال کنید.

جنبش اسلامی و جریانات تروریست اسلامی باید بدانند که دنیا اکنون متوجه این جنایات است و در مقابل آن می ایستد. جمهوری اسلامی ایران که سکینه محمدی آشتیانی و وکیل او یعنی هوتن کیان را به گروگان گرفته باید بدانند که راهی ندارد جز آزادی سکینه و هوتن کیان. این دو باید فوراً آزاد شوند.

کمپین نجات سکینه یک نقطه درخشان در دفاع بشریت متمند و مدرن از انسانیت و حقوق انسانی بود. میلیونها نفر به این حکم سبعانه و وحشیانه اعتراض کردند، در صد شهر دنیا مردم به خیابان رفتند و رسانه های متعددی در مورد سکینه نوشتند. آخرین اظهار نظر جمهوری اسلامی در مورد سکینه این بود که مقامات استان آذربایجان گفتند: "خانم آشتیانی دوره زندان را میگذراند و هنوز معلوم نیست در مورد بقیه

دوشنبه ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار است! ریچارد داوکینز چهره سرشاس نیز از این روز دفاع کرد!

ریچارد داوکینز چهره سرشناس منتقد مذهب از این روز دفاع کرد و در سایت خود از همگان دعوت کرد به این حرکت جهانی بپیوندند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار و یک قانون برای همه و ایران سولیدارتی از همگان دعوت میکنند روز دوشنبه این هفته ۱۱ جولای بهر طریق ممکن به سنگسارها در ایران و در هر جای دیگر دنیا اعتراض کنند. اطلاعیه ما در مورد روز جهانی علیه سنگسار با استقبال شخصیت های سرشناس بین المللی، و از جمله ریچارد داوکینز و پتر تاچل، اهلن اکرم، اشتفن لائو، و نویسندگان و فعالین مدافع حقوق انسانی روبرو شده است. از شما نیز دعوت میکنیم از این فراخوان دفاع کنید! ریچارد داوکینز در سایت خود نوشت: ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار از جمله توسط مریم نمازی سازمان می یابد. مریم نمازی یک انسان فوق العاده، یک مبارز شجاع مدافع حقوق زنان در معرض خطر در ایران و در همه کشورهایی است که اسلام آنها را تحت ستم قرار داده است. لطفاً از این حرکت جهانی دفاع کنید.

به کدام مناسبت روز جهانی علیه سنگسار انتخاب شد؟

ده سال قبل در روز ۱۱ جولای زندان اوین شاهد یک جنایت علیه بشریت بود. مریم ایوبی ۳۱ ساله مادر دو کودک ۶ و ۸ ساله، در حالیکه از وحشت سنگسار شدن، بیهوش شده بود، با یک برانکاره به محل اجرای حکم سنگسار در نزدیک دیوار زندان اوین منتقل و سنگسار شد. این حکم در دوره خاتمی اجرا شد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار همان زمان، کمپین گسترده بین المللی علیه این حکم سازمان داد. صدها نفر طومار اعتراض به حکم سنگسار مریم را امضا کردند، نهادهای متعدد بین المللی به این حکم اعتراض کردند و علیرغم همه این اعتراضات، اجرای حکم با دو بار به تعویق افتاد در ۱۱ جولای اجرا شد. همان زمان از دفتر خاتمی با دفتر کمیته بین المللی علیه

تصویری از جلسه مریم نمازی با پارلمان انگلیس در مورد قوانین شریعه



مورد کنفرانس را میتوانید ملاحظه کنید.

<http://puhtoggenova2011.wordpress.com/>

سازمان يك قانون برای همه ۳ ژوئیه ۲۰۱۱

احدی و حزب کمونیست کارگری به دلیل دفاعشان از سوسیالیسم و تلاش برای سرنگونی کلیت رژیم اسلامی است، نه ایجاد خطر امنیتی در آلمان. اینجا دیگر بحث منافع يك دولت نیست بلکه تعلق جنبشی جریانات مربوط به ایران است که در مقابل هم صف آرایی کرده اند. مردم هم باید همین موضوع را به روشنی دریابند که رسانه های فارسی زبان کشورهای غربی از جمله دویچه وله همانند بی بی سی و صدای آمریکا بلندگوی يك جناح از جمهوری اسلامی علیه جریانات انقلابی و سوسیالیست هستند.*

سراسر جهان دفاع کنیم کدام فرد معقولی امروز در اروپا و یا هر جای دیگری میتواند مدافع سنگسار یا ختنه زنان و یا اعدام باشد. ما دوباره و دوباره می شنویم که در ایران و نیجریه و عربستان سعودی و سودان و افغانستان و پاکستان و یمن مجازات سنگسار هست که بیشتر قربانیان آن نیز زنان هستند. سنگسار در ایران يك ابزار سیاسی است در دست يك حکومت ارتجاعی و سرکوبگر... در روز جهانی علیه سنگسار ما زنان از بلژیک اعلام میکنیم که ممنوعیت سنگسار همین الان و در همه جا!

کمیته بین المللی علیه سنگسار قانون برابر برای همه ایران سولیدارتی

قبل از آغاز این کنفرانس بین المللی شبکه های خبری متعددی در ایتالیا خبر این کنفرانس را پخش کرده و با سازمان دهندگان و فعالین این حرکت گفتگو کردند. در اینجا لینک برخی مطالب در

جامعه آلمان و از جمله دویچه وله نقش مینا احدی را به عنوان یکی از رهبران حزب کمونیست کارگری ایران و به عنوان یکی از پیگیرترین شخصیت های سیاسی جهانی در دفاع از حقوق پایمال شده مردم ایران خوب میشناسند.

مشکل اصلی دویچه وله و عناصر اصلاح طلب دوم خردادی که در کنج و زوایای بخش فارسی این رسانه نفوذ کرده اند دقیقاً همین دفاع بی امان حزب کمونیست کارگری و شخصی مثل مینا احدی از مردم ایران در برابر رژیم تروریست جمهوری اسلامی است. مشکل آنها با مینا

زن که بدلیل انتقاد به جنبش اسلامی از سازمان عفو بین الملل اخراج شده، و همچنین سواد بابا عایشا بود.

بحث های پرشور در نقد اسلام سیاسی و در نقد بی حقوقی مطلق زنان در کشورهای اسلام زده با استقبال پرشور حاضرین روبرو شد. مریم نمازی در سخنرانی خود گفت: برای دفاع از حقوق زنان باید به نقد ریشه ای مذهب و اسلام و به نقد جنبشی پرداخت که در کشورهای اسلام زده زنان را از هر نوع حقوق آزادی فردی محروم کرده است. سخنرانان دیگر در پانل اول از جنبه های مختلف در مورد جنبش اسلامی و مقابله با آن صحبت کردند که مجموع این سخنرانیها مورد استقبال زیاد حاضرین قرار گرفت.

دویچه وله نیز دقیقاً از همین موضع پرو جمهوری اسلامی است که گزارش فوق را دستاویز شبهه پراکنی و تبلیغات غرض آلود خود علیه حزب ما قرار داده است.

این رادیو و ژورنالیست های نان به نرخ روز خورش هم امسال و هم سال قبل با گزارشی غرض آلود و سر و دم بریده از گزارشات نهاد مدافع قانون اساسی در آلمان چنان وانمود کرده اند که گویی حزب کمونیست کارگری ایران در آلمان مشغول فعالیت های مخاطره آمیز "تروریستی" است. این شبهه پراکنی بیمایه تر از آنست که تاثیری بر افکار عمومی داشته باشد.



اطلاعیه شماره ۳

واشنگتن پست خبر روز جهانی علیه سنگسار ... از صفحه ۱۰

فیس بوك روز ۱۱ جولای را زده و گفته: یکی از سازمان دهندگان این حرکت و فعالین کمیته بین المللی علیه سنگسار چهره سرشناس مدافع حقوق انسانی مریم نمازی است. مریم از مسئولین فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و سخنگوی يك قانون برای همه در انگلستان است. او جنبش اسلامی را توتالیترسیم نوین نام نهاده است.

شواری زنان بلژیک به مناسبت ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار بیانیه ای داد و در بخشهایی از آن چنین آمده است: ارزشهای دمکراتیک جهانشمول هستند و ما باید از این ارزشها در



سخنرانی مریم نمازی در نقد اسلام سیاسی در کنفرانس بین المللی در ایتالیا

دهمین سال اعتراضات گسترده بر علیه گلوبالیزاسیون در شهر جنوای ایتالیا حضور یافته و یاد جانبختگان راه مبارزه با سرمایه داری و مدافعین حقوق انسان را گرامی داشتند.

در کنفرانس جنوا، مریم نمازی جزو سخنرانان اولین پانل با عنوان اسلام و مذهب سیاسی و سکولاریزاسیون بود. این پانل با حضور مریم نمازی، هوزان محمود فعال مدافع حقوق زن از کردستان عراق، گیتا شاگال فعال مدافع حقوق

ایتالیا روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئن، میزبان تعداد زیادی فعال مدافع حقوق زن و فعالین مدافع حقوق انسانی از سراسر جهان بود.

۳۰۰ نفر در روز در کنفرانس و جلساتی با علاقه و سمپاتی بحثهایی را دنبال میکردند که در مورد گلوبالیزاسیون و فقر در دنیا، در مورد مذهب و دخالت آن در زندگی مردم و زنان و در مورد اسلام سیاسی و سکولاریزم بود. سخنرانان در يك تظاهرات به یاد

از صفحه ۱۲

گزارش دولت آلمان و ...

تروریست جمهوری اسلامی دوست و شريك معاملات سیاسی و اقتصادی است مسئله ای نیست که بر کسی پوشیده باشد. در همین گزارش از فعالیت های تروریستی جمهوری اسلامی در آلمان و نفوذ ارادل و اوباش حکومتی از طریق سفارت و کنسولگریهای این حکومت در بین اپوزیسیون حرف میزنند، اما دولت آلمان کماکان با حکومت اسلامی ایران روابط حسنه ای دارد و این حکومت را به رسمیت می شناسد.

دویچه وله حزب ما را هدف قرار داده است برای آنکه هدف و خط سیاسی مماشات جویانه و سازشکارانه ای را در قبال جمهوری اسلامی دنبال میکند. مشکل دویچه وله و دیگر رسانه های مشابه "خطر تروریسم" حزب ما نیست، بلکه بر عکس مواضع و فعالیت های ضد تروریسم اسلامی و "خطری" است که حزب ما برای حکومتها و نیروهای اسلامی در آلمان ایجاد میکند. اینکه دولت آلمان با دولت

خطر فوری اعدام یوسف ندرخانی به اتهام ارتداد

محکوم شد. او اکنون ۳۵ سال دارد و خطر اعدام هر لحظه او را تهدید میکند. جمهوری اسلامی ایران در دادگاه عالی خودش روز سه شنبه، هفتم تیرماه اعتراض یوسف ندرخانی و کلای این پرونده را پذیرفت و حکم اعدام را که در دادگاه استان گیلان علیه ندرخانی داده بودند را تأیید کرد.

این حکم البته هنوز کتبا به وکلا و به خود یوسف ندرخانی داده نشده ولی شفاها به آنها گفته شده که حکم تأیید شده است. اکنون خطر اجرای حکم اعدام بسیار جدی است. حکومت اسلامی ایران قصد بررسی اوضاع و میزان اعتراضات بین المللی و اعتراض مردم به این حکم را دارد. اگر اعتراضات گسترده نباشد نه فقط یوسف اعدام میشود بلکه ممکنست

جمهوری اسلامی ایران قصد اعدام پدر دو کودک در ایران را دارد. اتهام او دست کشیدن از اسلام و گرویدن به دین مسیحی است.

یوسف ندرخانی ۱۹ ساله بود که از اسلام دست کشید. او ساکن شهر لاکان بود و بدلیل اینکه در مدرسه فرزندان، از معلمین درخواست نموده بود که درس قران و دین اسلام به فرزندانش ندهند و گفته بود که ما مسیحی هستیم، او را دستگیر و روانه زندان کردند.

همسر یوسف ندرخانی نیز که مسیحی است، نیز قبلاً دستگیر و به حبس ابد محکوم شده بود، که خوشبختانه از زندان آزاد شد.

یوسف ندرخانی ۲۰ مهرماه ۱۳۸۸ دستگیر شد و سپس به اعدام

زنده باد سوسیالیسم!

گزارش دولت آلمان و ژورنال‌لیسم نان به نرخ روز خور



محمد آسنگران

بخش فارسی رادیو آلمان (دویچه وله) گزارش اداره حفاظت از قانون اساسی در آلمان که هر سال تمام جریانات و احزاب سیاسی چپ و راست فعال در آلمان را مونیور و به عنوان گزارش خود منتشر میکند را بهانه شبهه پراکنیهای نخ نما شده خود علیه حزب کمونیست کارگری قرار داده است.

در آلمان هر سال اداره حفاظت از قانون اساسی یک گزارش مفصل چند صد صفحه ای در مورد فعالیت احزاب و گروههای آلمانی و غیر آلمانی مرتبط با این کشور منتشر میکند. این گزارش شامل بررسی فعالیت همه گروهها و جریانات راست، چپ، کمونیست و سازمانهای اسلامی و تروریستی و... است. در این گزارش منهای چهار حزب سوسیال مسیحی، سوسیال دمکرات، سبز و لیبرال آلمان، از بقیه احزاب و جریانات مختلف آلمانی و غیر آلمانی گزارش داده شده است. از حزب چپ آلمان که اکنون در پارلمان این کشور نمایندگان زیادی دارد تا بقیه جریانات چپ و راست در آلمان در این گزارش دسته بندی شده و مواضع و فعالیتهایشان معرفی شده است.

در این گزارش هر سال در مورد فعالیتهای حزب کمونیست کارگری ایران نیز صحبت میشود. این فعالیتها در کاتگوری فعالیتهای چپ و در بخش فعالیت سازمانهای خارجی "غیر اسلامی" قرار دارد. دولت آلمان حزب کمونیست کارگری را یک حزب افراطی و چپ میدانند و از این نظر فعالیتهای این حزب و نهادهای که اعضا و کادریهای حزب در آن فعال هستند را زیر نظر دارد!

اما ژورنال‌لیسم بازاری و سطح پایین دویچه وله آگاهانه اسم حزب کمونیست کارگری را در جایی از گزارش فارسی خود درج کرده است که

یکی از وزیران ایالتی عضو یکی از احزاب راست آلمان در مورد "خطر اقدامات تروریستی جریانات چپ افراطی" حرف زده است. این ابراز نظر ربطی به گزارش دولت آلمان در مورد حزب کمونیست کارگری ندارد. برای قضاوت خوانندگان ما در اینجا بخش مربوط به حزب کمونیست کارگری این گزارش را ترجمه کرده ایم.

در گزارش سال ۲۰۱۰ در مورد حزب کمونیست کارگری ایران چنین نوشته است:

"حزب کمونیست کارگری ایران و انشعابات سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ از این حزب، یعنی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و اتحاد کمونیزم کارگری از نظر ایدئولوژیک روی جهت گیری مارکسیستی لنینیستی و نظریات و آموزشهای منصور حکمت که در سال ۲۰۰۲ فوت کرد متکی هستند. هر سه حزب خواهان یک انقلاب سوسیالیستی در ایران هستند که در نهایت باعث شود طبقه کارگر قدرت را در دست بگیرد. حزب کمونیست کارگری حکمتیست اینرا در سال ۲۰۰۴ در یک بیانیه علنی در مورد استراتژی این حزب در اولین کنفرانس تصویب نمود (هدف فوری این حزب کسب قدرت سیاسی سازمان دادن یک حکومت سوسیالیستی است که قدم اول برای رسیدن به این هدف سرنگون کردن حکومت اسلامی است.)"

در کنگره ای به تاریخ ۵ و ۶ دسامبر ۲۰۰۹ حزب کمونیست کارگری ایران (مانیفست انقلاب ایران) را تصویب کرده که در آن اعتراضات شروع شده در ماه ژوئن ۲۰۰۹ در ایران را که بعد از انتخابات ریاست جمهوری شروع شد، همچون حرکتی متأثر از جنبش سوسیالیستی و انقلابی دانسته است. "انقلابی که در ایران در ماه ژوئن ۲۰۰۹ شروع شد، یک انفجار و اعتراض علیه فشارها و بروز خشم مردم علیه جنایات حکومت اسلامی ایران است.... این شعار دانشجویان در دانشگاه تهران مضمون این انقلاب را نمایندگی میکند، سوسیالیسم یا بربریت"

اتحاد کمونیزم کارگری نیز فراخوان سرنگونی حکومت اسلامی در ایران و فراخوان به ساختن یک

جمهوری سوسیالیستی میدهد " سرنگون باد حکومت اسلامی، آزادی، برابری، حکومت کارگری، زنده باد جمهوری سوسیالیستی " (از صفحه اتحاد کمونیزم کارگری ۲۷ اوت ۲۰۱۰ و ۱۷ نوامبر ۲۰۱۰ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و اتحاد کمونیزم کارگری در سال ۲۰۱۰ نیز همچون سالهای قبل نتوانسته اند با کارهای علنی و یا آگسیون توجهی را بخود جلب کنند.

برعکس اینها، حزب کمونیست کارگری ایران با انتشار مداوم گزارشات در مورد نقض حقوق بشر در ایران از این موضوعات استفاده کرده و به وسیله فعالیتهای متعدد و متمرکز روی موضوعاتی از این قبیل، آگسیونها و میزهای اطلاعاتی متعدد سازمان داده و افکار عمومی را تحت تاثیر فعالیتهای خود قرار داد و حضور فعالی داشته است.

برای اینکه موضوعات مورد نظر خود را در افکار عمومی مطرح کند، حزب کمونیست کارگری ایران امسال نیز همانند سالهای قبل از سازمانهای متعدد جانبی استفاده کرده است. از جمله و در اینجا بویژه باید از "کمیته بین المللی علیه سنگسار" و "کمیته بین المللی دفاع از حقوق زنان" و شورای مرکزی اکس مسلم - که سازمانی قانونی و ثبت شده است نام برد. باید اضافه کرد که حزب کمونیست کارگری ایران نیز توانست فقط تعداد دو رقصی از شرکت کنندگان در جلسات را بخود جلب کند. ولی این حزب توانسته ایده های خود را در بین اپوزیسیون جمهوری اسلامی بدلیل فعالیتهای گسترده خود، بهبود ببخشد. (همه این نهادها زیر نظر هستند)"

این ترجمه کل ارزیابی و گزارش "سازمان حفاظت از قانون اساسی آلمان" در مورد حزب کمونیست کارگری ایران است. همینجا اشاره کنم نفس اینکه فعالیتهای احزاب سیاسی علیرغم اینکه در چارچوب آزادی بیان و آزادی های سیاسی فعالیت میکنند، زیر نظر نهادهای جاسوسی و اطلاعاتی دولتی قرار دارد، علامت سوال بزرگی را بالای سر دولت آلمان قرار میدهد و جای بحث و سوال جدی است. و اینکه گزارش و ارزیابی ای که از حزب

گرامیداشت منصور حکمت، شنبه ۹ ژوئیه

۲۰۰۲ - ۱۹۵۱

این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این اساس و هدف تلاش منصور حکمت در زندگی سیاسی اش بود، که در مقابل دنیای وارونه سرمایه داری ساختن یک دنیای بهتر بدست انسان ضروری و میسر است. حرفش این بود که انسان باید خوشبخت زندگی کند و این در گرو انقلاب علیه وضع موجود است، چون "خشونت بورژوازی و دولت او علیه انقلاب کارگری، علیه اراده اکثریت عظیم مردم که زیر پرچم طبقه کارگر برای برقراری یک جامعه نوین به پا میخیزند، امری عملاً اجتناب ناپذیر است."

گرامیداشت یاد منصور حکمت امسال مصادف است با موج انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا، بیخاستن توده میلیونی مردم علیه وضع موجود، و تاثیرات جهانی آن.

کمونیست کارگری منتشر کرده اند تا چه حد واقعیات این حزب را کج و معوج بیان میکنند نیز اینجا مورد بحث من نیست. اما در هر حال حزب در گزارش نهاد مزبور تحت عنوان سازمانهای چپ غیر اسلامی و تندرو مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و نه آنطور که دویچه وله خواسته است

بزودی منتشر میشود:

ضمیمه انترناسیونال شماره ۴۰۸

با عنوان "غول خفته بیدار میشود!"

از حمید تقوایی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



به این مراسم خوش آمدید!

سخنرانان:

حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

عصام شکری، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

زمان: شنبه ۹ ژوئیه ۲۰۱۱ ساعت ۷:۳۰ بعدازظهر

مکان: ۵۱۲۰ خیابان یانگ، نورت یورک سنتر، طبقه دوم کتابخانه مرکزی

تلفن تماس:

0014164717138

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، واحد شرق کانادا

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری چپ عراق، واحد کانادا

وا نمود کند بعنوان یک سازمان تروریست. حزب چپ آلمان که حزب پارلمانی این کشور است نیز زیر تیتر مشابهی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است بی آنکه دویچه وله و یا هیچ رسانه دیگری تلاش کند هیچ نوع شبهه ای در مورد خطر تروریسم این حزب در اذهان ایجاد کند.

صفحه ۱۱